



عکس: رضا بهرامی

پژوهشگران نقدکننده آثارم، معلمان من هستند

پای صحبت محمود حکیمی،
نویسنده و پژوهشگر معاصر

اشاره

محمود حکیمی، به عنوان یکی از پیش گامان حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان و از پرکارترین نویسندگان در این حوزه، شناخته شده‌اند. برای آشنایی مریبان محترم، کارشناسان و اولیای ارجمند با این الگوی سخت کوش گفت و گویی با وی صورت گرفته که در زیر ملاحظه می کنید.

حافظ - که متأسفانه نام او را فراموش کرده‌ام - از عوامل مهم روی آوردن من به نویسندگی بوده است. از سال ۱۳۴۷ به جمع نویسندگان مجلهٔ وزین «درس‌هایی از مکتب اسلام» پیوستم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

چه عاملی سبب شد که شما بیشتر به داستان‌های دینی برای کودکان و نوجوانان بپردازید؟

تشویق‌های مادرم در گرایش من به نوشتن داستان‌های دینی بسیار مؤثر بود. قبل از آنکه مرا در مدرسهٔ آمادگی یا قبل از دبستان برهان نام‌نویسی کنند، مادرم هر زمان که فرصت می‌یافت داستانی از مهرورزی‌های اهل بیت(ع) برای من و برادر و خواهرم بازگو می‌کرد. شنیدن آن داستان‌ها تأثیر فراوانی بر ما داشت.

چه عوامل دیگری سبب شد که شما به نگارش داستان‌های دینی علاقه‌مند شوید؟

درس‌های معلمان تعلیمات دینی و همچنین سخنان واعظان در هیئت‌ها و مساجد در تربیت و رشد اندیشه‌هایم نیز بسیار

لطفاً ضمن معرفی، دوست داریم قبل از هر چیز بدانیم که انگیزهٔ اصلی شما در پدید آوردن آثاری در این زمینه چه بوده است؟

من در سال ۱۳۲۳ در جنوب تهران در خانواده‌ای مذهبی تولد یافتم. مرحوم پدرم از سه سالگی مرا به هیئت‌های مذهبی می‌برد و من در آن انجمن‌ها به تدریج با آموزه‌های جان‌بخش قرآن کریم و پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) و اهل بیت(ع) آشنا شدم و آن آموزه‌ها انگیزه‌ای شد برای نگارش و تألیف آثاری که تاکنون از من منتشر شده است.

از چه زمانی نویسندگی را آغاز کردید؟

در دورهٔ دبستان، دو معلم انشا به نام‌های غروی و بنکدار مرا به نگارش داستان‌های دینی در روزنامهٔ دیواری مدرسه تشویق کردند. از سال ۱۳۴۰ شروع به نوشتن داستان‌های کوتاه در مجلهٔ کیهان بچه‌ها نمودم. در آن داستان‌ها هم تلاش می‌کردم که از نتایج محبت و مهرورزی با انسان‌های دیگر سخن بگویم. بعد از آن، با چند نشریهٔ دیگر همکاری می‌کردم. می‌توانم بگویم تشویق‌های معلمان انشا در دبستان و معلم دیگری در دبیرستان

از دبستان علاقه‌مندی نشان داده‌اید. فکر می‌کنید چه روش‌هایی در تربیت دینی و اخلاقی کودکان کارساز است؟

رفتار و گفتار پدر و مادر بیش از هر چیز در رفتار کودکان مؤثرند. پدر و مادری که در سخن گفتن با یکدیگر ادب را رعایت می‌کنند و از بیان کلمات و واژگان زشت خودداری می‌کنند و با کودکان خویش با مهربانی و محبت رفتار می‌کنند، می‌توانند مطمئن باشند که رفتار محبت‌آمیز آنان در فرزندانشان بسیار مؤثر خواهد بود.

بعد از پدر و مادر، شیوه رفتار معلمان در دوره قبل از دبستان در تربیت کودکان بسیار مؤثر است. ذکر داستان‌های کوتاه از زندگانی پیامبران و ائمه اطهار تأثیر فراوانی در تربیت کودکان دارد. نباید فراموش کنیم که تربیت فرزند یکی از وظایف مهم و اساسی والدین است و فرزندپروری به شناخت کودک، نیازهایش و ابعاد شخصیتی او نیاز دارد. پس از والدین، معلمان هم باید شناخت درستی از روان‌شناسی کودکان و نوجوانان تحت تعلیم خود داشته باشند.

به نظر شما چه عواملی موجب می‌شود که کودک با خواهر یا برادر خود یا با دیگر کودکان در کلاس‌های قبل از دبستان رفتار خشن داشته باشد؟

رفتار خشونت‌آمیز پدران و مادران با یکدیگر و به کار بردن واژگان تند و بی‌ادبانه تأثیر مصیبت‌باری بر اخلاق کودکان خواهد داشت. معلم ناآگاه هم که از شیوه‌های درست تعلیم و تربیت کودکان آگاهی ندارد، تأثیرات ناگواری بر رفتار کودکان می‌گذارد؛ تأثیرات ناگواری که مقدمه رفتار خشن همان کودکان در بزرگسالی می‌شود.

اما معلم آگاه قبل از دبستان که از روان‌شناسی کودکان آگاهی دارد، حتی می‌تواند کودکانی را که در خانواده تربیت درستی نداشته‌اند، با رفتار درست و محبت‌آمیز خود و بیان داستان‌های کوتاه از ائمه به سوی مهرورزی و محبت هدایت کند.

شنیده‌ایم که اخیراً کتابی با عنوان «دین محبت» با زبانی ساده و روان برای پدران و مادران و معلمان منتشر کرده‌اید. با توجه به زیبایی واژه «محبت» و ترکیب آن با «دین» مهم‌ترین پیام‌هایی که در این کتاب مطرح کرده‌اید، چه هستند؟

بله، درست است؛ در این کتاب به زندگانی سراسر محبت پیامبران و مخصوصاً پیامبر اسلام و امامان شیعه (ع) پرداخته‌ام. حکایت‌های واقعی از رفتار آن‌ها با دیگران را آورده‌ام؛ زیرا زندگانی آنان به‌راستی نمودار تربیت درست و ثمربخش است. پس از شرح داستان‌های راستین از پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد (ص) و داستان‌هایی از امامان شیعه اثنی عشری (ع) برخی جملات و سخنان محبت‌آمیز آن‌ها را هم با ذکر منابع و مدارک آورده‌ام. نویسندگان کودک و نوجوان می‌توانند این حکایت‌ها را ساده و روان کنند و با تصاویر زیبا به چاپ برسانند. معلمان



مؤثر بودند. آنان با ذکر قسمت‌هایی از تاریخ اسلام و ذکر احادیث و روایات از پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) به من نشان دادند که به‌راستی زندگانی آن بزرگان می‌تواند الگو، سرمشق و اسوه رفتاری برای تمام انسان‌ها باشد.

در زندگانی ائمه اطهار (ع) چه نکاتی بیشتر توجه شما را جلب می‌کرد؟

در داستان‌هایی که مادرم از زندگانی آنان [ائمه اطهار (ع)] برآید می‌گفت و سخنان معلم تعلیمات دینی در دوره دبستان بیشتر حکایت‌هایی راستین از مهرورزی‌ها و محبت‌های آنان به تمام انسان‌ها بود. بعد از آن، آثار بسیاری درباره زندگانی رسول اکرم (ص) و امامان شیعه اثنی عشری خواندم. مطالعه نهضت‌های اسلامی ضد امویان و عباسیان و سپس مطالعه تاریخ جهان و نهضت‌های آزادی‌بخش در کشورهای اسلامی موجب آن شد که آثار بسیاری را پدید آورم.

شما در آثار خود مخصوصاً کتاب «نگرشی بر تعلیم و تربیت کودک و نوجوان» به تربیت کودکان پیش

به نظر شما مبنای داستان‌های دینی باید بر چه آموزه‌هایی استوار باشد؟

به نظر من آگاهی از «قصه‌های قرآنی» برای تمام مردم، مخصوصاً کسانی که می‌خواهند قصه‌های دینی بنویسند بسیار ضروری است. شخصیت‌های مثبت قصه‌های قرآنی پیامبران و بزرگانی هستند که بر ضد خود کامگانی چون فراعنه قیام می‌کنند اما شخصیت‌های منفی این کتاب جاودانی و مقدس، کسانی هستند که از آزار دادن مردم لذت می‌برند و از غارت اموال مردم باکی ندارند. زورگویی و قلدری و حسادت و چالپوسی از ویژگی‌های بارز آنان است. نویسندگان متعهد باید پیوسته در اندیشه بیدار کردن مردم ناآگاه باشند. زورگویان و متجاوزان به حقوق انسان‌ها را رسوا و مردمان به خواب رفته را بیدار کنند.

در شماره ۲۹ مجله «رشد آموزش پیش‌دستانی» مقاله‌ای از سردبیر محترم این مجله خواندم که به‌راستی توجهم را جلب کرد؛ زیرا دکتر فرخنده مفیدی در آن مقاله نوشته است که قلدری و زورگویی اگر در جامعه گسترش یابد، «نگاره‌های عاطفی ایجاد می‌کند که زدودن آن‌ها دشوار است». نویسنده محترم حتی پیشنهاد کرده است که «روزی به نام روز مقابله با زورگویی در مراکز آموزشی مدارس و جامعه تعیین شود».

سؤال پایانی، آقای حکیمی، شما در بسیاری از مصاحبه‌های خود از پژوهشگران خواسته‌اید آثاری را که در زمینه تاریخ برای نوجوانان نوشته‌اید یا آثاری را که در زمینه تعلیم و تربیت منتشر کرده‌اید مانند کتاب «نگرشی بر تعلیم و تربیت کودک و نوجوان» - مورد نقد قرار دهند. علت این همه تأکید برای نقد آثار تان چیست؟

همان‌طور که می‌دانید، در زمینه‌های مختلف مانند تاریخ، تعلیم و تربیت، دین، ادبیات و علوم آثاری از من منتشر شده است. تاکنون بسیاری از خوانندگان محبت کرده و نامه‌های تشویق‌آمیزی برایم فرستاده‌اند که قصد دارم برای سپاس‌بخشی از آن‌ها را منتشر کنم اما دوست دارم صمیمانه بگویم که من به نامه‌هایی که خوانندگان یا پژوهشگران آگاه و خالی از غرض در نقد و بررسی آثارم نوشته‌اند، بیشتر اهمیت می‌دهم. آنان در واقع معلمان من هستند. خوب به خاطر دارم که حدود سی سال پیش، دانش‌آموزی کوشا از دبیرستانی در یکی از روستاهای کرمان، نامه‌ای برای من نوشت و به من به دلیل اشتباه کوچکی که در مقدمه جلد شانزدهم «تاریخ تمدن ویژه نوجوانان» مرتکب شده بودم، تذکر داده بود. آن اشتباه را در چاپ بعدی تصحیح کردم و ضمن نامه‌ای از او تشکر کرده و چندین جلد کتاب را در مقام سپاسگزاری از تذکر وی برایش فرستادم. به‌راستی که پژوهشگران نقدکننده آثارم، معلمان من هستند.

از اینکه وقت با ارزش خود را به مجله رشد آموزش پیش‌دستانی داده‌اید، بسیار سپاسگزاریم.



هوشمند هم می‌توانند در سر کلاس این داستان‌ها را به زبان ساده برای دانش‌آموزان خود بازگو کنند.

وضع ادبیات کودکان را در کشورمان چگونه می‌بینید؟

خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی، نویسندگانی آگاه و آشنا با زبان کودکان آثاری ارزشمند خلق کرده و با تصاویری زیبا منتشر ساخته‌اند. من در کتاب «مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان» به برخی از این آثار ارزشمند اشاره کرده و گفته‌ام که ما باید سیاستگذار این نویسندگان و هنرمندان تصویرساز باشیم که کودکان و نوجوانان ما را به سوی شناخت درست از اسلام هدایت می‌کنند اما آخرین فصل این کتاب را به «آسیب‌شناسی ادبیات کودکان» نیز اختصاص داده‌ام. به‌راستی در کنار آن آثار ارزشمند، برخی نویسندگان و مترجمان هم آثاری را نوشته یا ترجمه و منتشر کرده‌اند که با فرهنگ اسلامی و ایرانی ما، که بنیانش بر اساس مهرورزی و محبت است، سازگار نیست. تصاویر برخی از کتاب‌ها هم خوب و آموزنده نیستند. من عقیده دارم که هر کتاب یا فیلم سینمایی که کودک را به سوی خشونت و رفتار زشت با دیگران می‌کشاند، باید مورد نقد و بررسی و بازبینی قرار گیرد.

برخی از نویسندگان داستان‌های طنزآمیز برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده‌اند که مناسب کودکان نیست.

نباید فراموش کنیم که طنزها و مزاح‌ها باید ملیح، مؤدبانه و هدفدار باشند. شوخی‌های بی‌پروا و بی‌هدف کودکان را به سوی رفتارهای بی‌ادبانه سوق می‌دهد. در آن صورت، کودک در بزرگسالی به تمسخر دیگران و حتی والدین و معلمان خود می‌پردازد. نباید فراموش کنیم که درست اندیشیدن دریچه‌ای برای ورود به حیات عقلانی و ارزشی است.